

ملاحظات قومی مذهبی نگرش جنسیتی در شهرستان بجنورد

یعقوب فروتن^۱ * اکبر علیوردی‌نیا^۲ * الهه‌سادات ایزی^۳

چکیده

در این مقاله مهم‌ترین الگوها و تعیین‌کننده‌های مرتبط با تفاوت‌های قومی مذهبی نگرش‌های جنسیتی بررسی شده است. برای سنجش نگرش‌های جنسیتی از گویه‌های پنج‌گانه آگموند و همکاران (۲۰۱۰) استفاده شده است. جامعه آماری شامل افراد ۱۵ ساله و بالاتر شهرستان بجنورد در استان خراسان شمالی، مشتمل بر پنج گروه قومی (تات، ترک، ترکمن، کرد و فارس) و دو گروه مذهبی (شیعی و سنی) هستند. مطابق نتایج، اگرچه گروه قومی تات بیش از سایر گروه‌های قومی، به‌ویژه ترکمن‌ها، دارای نگرش جنسیتی غیرسنتی هستند، در بین تمامی گروه‌های قومی نوعی نگرش غیرسنتی کمابیش غالب است. علاوه بر این، مردان شیعی و سنی‌مذهب دارای نگرش‌های جنسیتی کمابیش مشابهی هستند، درحالی‌که نگرش جنسیتی زنان شیعی و سنی‌مذهب با همدیگر متفاوت است، برای نمونه، زنان شیعی مذهب بیش از زنان سنی‌مذهب دارای نگرش مثبت به اشتغال زنان هستند. در مجموع، یافته‌های تحقیق را می‌توان در دو نکته اصلی و کلی خلاصه کرد: همگرایی نگرش‌های جنسیتی غیرسنتی و نقش تعیین‌کننده متغیر جنسیت در کشف و شناخت دقیق‌تر تفاوت‌های قومی مذهبی مرتبط با نگرش‌های جنسیتی.

واژگان کلیدی: قومیت، مذهب، نگرش‌های جنسیتی و مدل آگموند

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی • سال پنجم • شماره هجدهم • بهار ۹۵ • صص ۸۵-۱۰۶

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۸/۲۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۴/۱۲/۱۵

۱. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران، نویسنده مسئول (y.foroutan@umz.ac.ir)
۲. استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران (aliverdina@umz.ac.ir)
۳. کارشناس ارشد مطالعات جوانان گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران (elahe.easy@gmail.com)

مقدمه

به طور کلی، تحقیق حاضر ناظر بر مناسبات بین تعلقات قومی مذهبی و نگرش جنسیتی است. در همین چارچوب، مسئله اساسی تحقیق حاضر این است که آیا اساساً نگرش جنسیتی تابعی از تعلق قومی مذهبی است. آیا عناصر تعیین کننده تر دیگری برای تبیین تفاوت‌های بین گروه‌های قومی مذهبی در زمینه نگرش‌های جنسیتی وجود دارند؟ امروزه، چنین پرسش‌هایی از ضرورت و اهمیت فراوان در سطح جهان برخوردار هستند که در اینجا به چند نمونه آن در بین گروه‌های متعلق به ادیان عمده جهان اشاره می‌کنیم. نمونه نخست، مربوط به یک گروه مذهبی مسیحیان موسوم به کیوورفول^۱ است که دارای نگرش جنسیتی سنتی هستند، به طوری که از دیدگاه آنان، زنان موظف به اطاعت کامل از شوهران خویش هستند و وظیفه آنان را صرفاً به دنیا آوردن فرزندان زیاد و نقش مادری و حضور کامل در داخل خانه می‌دانند. نمونه دوم مربوط به یک گروه مذهبی یهودیان موسوم به هاریدی^۲ است که دارای نگرش بسیار قوی و سنتی در زمینه نقش‌های جنسیتی و تفکر خاص درباره تفکیک جنسیتی^۳ به ویژه در عرصه‌های عمومی هستند، به طوری که معتقدند حتی تصویر و عکس زنان نیز نباید در جراید و نشریات عمومی چاپ و منتشر شود. میلر^۴ (۲۰۱۵) به نمونه‌ای اشاره می‌کند که عکس رهبران سیاسی جهان شامل تعدادی از زنان از جمله صدر اعظم آلمان خانم آنجلا مرکل در یکی از نشریات این فرقه مذهبی منتشر شده بود، اما پس از مدتی تصاویر این زنان برداشته شد. علاوه بر این، در درون مسلمانان نیز گروه‌هایی وجود دارند که نوع نگرش جنسیتی آنها به گونه‌ای است که در برخی موارد به ویژه در جوامع عربی خاورمیانه چالش‌های جدی برای حضور زنان در عرصه‌های عمومی حتی در زمینه حق رانندگی پدید می‌آید، چرا که عرصه فعالیت زنان و نقش‌های

-
1. Quiverfull
 2. Heredi Jewish
 3. Gender segregation
 4. Miller

جنسیتی آنان را در چارچوب خانه و خانه داری تلقی می کنند (Toft, 2012). در همین چارچوب، مهم ترین اهداف در تحقیق حاضر این است که برخی از مهم ترین الگوها و زمینه های مرتبط با نگرش جنسیتی با تأکید بر نقش دو عنصر کلیدی یعنی مذهب و قومیت را مورد توجه و مطالعه قرار دهیم. به عبارت دقیق تر، اهداف اصلی در تحقیق حاضر این است که بررسی کنیم، چه تفاوت هایی بین گروه های قومی و نیز چه تفاوت های بین دو گروه مذهبی شیعی و سنی از نقطه نظر نگرش جنسیتی وجود دارد. چنانکه در بخش ادبیات تحقیق نشان خواهیم داد، این تفاوت های قومی و مذهبی ناظر بر نگرش جنسیتی در مطالعات موجود به ویژه در تحقیقات داخلی به میزان بسیار اندکی مورد توجه قرار گرفته است. این در حالی است که از یک طرف در دهه های اخیر جوامع بشری با تحولات بسیار وسیع و عمیق در زمینه نگرش جنسیتی مواجه شده اند، به طوری که برخی از اندیشمندان معاصر همچون دیویس (۱۹۸۴) و کوتر و همکاران (۲۰۰۱) از آن با عنوان یک انقلاب اجتماعی به مراتب مهم تر یعنی «انقلاب در نقش های جنسیتی» نام می برند که لازم است ابعاد گوناگون آن از جمله ابعاد قومی مذهبی مورد بررسی علمی قرار گیرد. از طرف دیگر، کشور ما دارای تنوع قومی بسیار گسترده ای است. به همین سبب، ضرورت و اهمیت مطالعات و تحقیقاتی همچون تحقیق حاضر که هدف بنیادین آنها بررسی تفاوت های قومی و مذهبی مرتبط با نگرش جنسیتی است، به مراتب بیشتر می شود و تلاش می کنیم در حد توان، یافته های پژوهشی و شواهد تجربی مناسب را در راستای رفع این خلأ تحقیقاتی ارائه نماییم. در این تحقیق از مدل آگموند و همکاران (۲۰۱۰) و گویه های پنج گانه آنها برای سنجش نگرش جنسیتی استفاده می کنیم که جزئیات تفصیلی آن در بخش روش شناسی تحقیق ارائه شده است. بدین ترتیب با استفاده از این مدل تلاش می کنیم تا مباحث این مقاله را حول دو پرسش کلیدی تنظیم نماییم: آیا نگرش جنسیتی تابعی از تعلق قومی است؟ آیا دو گروه مذهبی شیعی و سنی دارای نگرش جنسیتی مشابه یا متفاوت هستند؟ در چارچوب این پرسش های کلیدی، تلاش می شود مهم ترین الگوها و تعیین کننده های مرتبط با نگرش جنسیتی گروه های قومی مذهبی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

۱. پیشینه پژوهش

در این بخش به بررسی مهم ترین نتایج و یافته های مطالعات و تحقیقات انجام شده در

داخل و خارج ایران می‌پردازیم. به‌طور کلی، بررسی ادبیات تحقیقات داخلی نشان می‌دهد که اگرچه طیف بسیار گسترده و متنوعی از مطالعات و تحقیقات در زمینه نقش‌های جنسیتی در ایران انجام شده است،^۱ مطالعات مبتنی بر ملاحظات قومی و مذهبی در این زمینه بسیار اندک است که در اینجا به برخی از آنها به اختصار می‌پردازیم.

- بررسی تطبیقی نتایج تحقیق اسدی و همکاران (۱۳۵۶) و تحقیق عبدی و گودرزی (۱۳۷۷) به خوبی نشان‌دهنده تحولات عمیق در نگرش‌های جنسیتی در جامعه ما طی این دوره زمانی است، به‌طوری‌که برای مثال در مقایسه با گذشته، امروزه نسبت بیشتری با کار خارج خانه زنان نگرش مثبت و موافق دارند (Shaditalab, 2005). گفتنی است که این‌گونه تحولات نگرشی در نقش‌های جنسیتی را در ادبیات تحقیق به اصطلاح با عنوان «انتقال فرهنگی بین نسلی نگرش‌ها» نام نهاده‌اند» (Fernandez et al., 2004; Fortin, 2005; Foroutan, 2015).

- نتایج تحقیق طالب و گودرزی (۱۳۸۳) در زمینه بررسی مناسبات بین قومیت و جنسیت در گروه‌های قومی سیستان و بلوچستان نشان داده است که در مطالعات انجام شده قبلی در زمینه قومیت، بعد جنسیتی قومیت نادیده گرفته شده، درحالی‌که نتایج تحقیق آنها اهمیت نگرش‌های جنسیتی در زمینه رشد هویت‌یابی گروه‌های قومی در استان سیستان و بلوچستان را مورد تأیید و تأکید قرار می‌دهد.

- نتایج تحقیق خمسه‌ای (۱۳۸۵) در بین دانشجویان دختر و پسر دو گروه قومی فارس و کرد نشان داده است که در بین دانشجویان دختر، اعم از فارس و کرد، تفاوت معناداری از نقطه نظر طرحواره‌های نقش جنسیتی وجود ندارد، درحالی‌که این تفاوت‌های قومی در بین دانشجویان پسر معنادار است.

- مطابق نتایج تحقیق حسینی و عباسی شوازی (۱۳۸۹) در بین زنان کرد و ترک شهرستان ارومیه، تفاوت معناداری بین این دو گروه قومی وجود دارد، به‌طوری‌که کردها از سطح به نسبت بالاتر فرزندآوری در مقایسه با ترک‌ها برخوردار هستند.

- نتایج تحقیق محمودیان و نوبخت (۱۳۸۹) بر روی گروه‌های مذهبی سنی و شیعه

۱. برای مطالعه رجوع شود به:

- یعقوب فروتن (۱۳۹۴). «هژمونی مردانه جامعه‌پذیری در ایران»، مطالعات توسعه اجتماعی فرهنگی، دوره ۳، شماره ۴: ۱۵۵-۱۳۳.

شهر گله‌دار استان فارس نشان داده است که نه تنها زنان سنی مذهب از سطح فرزندآوری بالاتری نسبت به زنان شیعی برخوردار هستند، بلکه حتی پس از ورود متغیرهای کنترل نیز این تفاوت بین زنان سنی مذهب و زنان شیعی مذهب کماکان معنادار باقی مانده است.

- نتایج فراتحلیل ترکاشوند (۱۳۹۱) نیز نشان داده است که تحقیقات انجام شده غالباً محدود به تعداد اندکی از گروه‌های قومی بوده و مطالعه تطبیقی این قومیت‌ها نیز بسیار اندک و ناچیز است.

- نتایج تحقیق فروتن (۱۳۹۴) در خصوص نقش دین و مذهب و روندهای اجتماعی در تحولات جنسیتی و جمعیتی در ایران طی نیم قرن اخیر (۱۳۸۵-۱۳۳۵) نشان داده است که اگرچه روندهای کلی تحولات جنسیتی و جمعیتی بر تمامی گروه‌های قومی صدق می‌کند، مستلزم طیف متنوع تحقیقات موردی در میان گروه‌های قومی و مذهبی متعدد ایران به منظور شناخت دقیق‌تر تفاوت‌های قومی مذهبی ناظر بر این تحولات است.

علاوه بر این، طیف بسیار گسترده و فزاینده‌ای از تحقیقات و مطالعات خارجی به بررسی الگوها و تعیین‌کننده‌های نگرش‌های جنسیتی با تأکید بر ملاحظات قومی و مذهبی آن پرداخته‌اند.

- یافته‌های تحقیق ماریونک و همکاران (۱۹۹۴) بر روی چند گروه قومی نژادی شامل سفیدپوستان و سیاهپوستان و آسیایی‌ها نشان داد که نگرش‌های جنسیتی زنان به‌طور چشمگیری متمایل به رویکرد تساوی جنسیتی (برابری طلبانه) است، در حالی که کسانی که از دینداری بالاتری برخوردارند، معمولاً دارای نگرش‌های جنسیتی سنتی هستند.

- نتایج تحقیق بلی و تیکامایر (۱۹۹۵) درباره تفاوت‌های قومی و نژادی در زمینه نگرش‌های جنسیتی مردان در ایالات متحده نشان داده است که اگرچه نگرش‌های جنسیتی در میان سفیدپوستان و سیاهپوستان متفاوت است، اما این تفاوت‌های قومی نژادی در زمینه نگرش‌های جنسیتی به تدریج در طول زمان کمتر و کمرنگ‌تر می‌شود.

- نتایج تحقیق برتود (۲۰۰۰) نشان داد که گروه‌های قومی در بریتانیا دارای نگرش‌های جنسیتی متفاوتی هستند که پیامدهای آن دو الگوی کاملاً متفاوت فرزندآوری است. بدین معنا که زنان گروه قومی جنوب آسیا به‌ویژه پاکستانی‌ها و بنگلادشی‌ها غالباً دارای خانواده‌های بزرگ و پر اولاد هستند، در حالی که خانواده «تک والدی» که فرزندان فقط با یکی از والدین (معمولاً مادر) زندگی می‌کنند، در میان گروه قومی کارائیبی بسیار

رایج است.

- مطابق نتایج تحقیقات ساجدا امین و بوساراوان (۲۰۰۹) در کشور ویتنام، رشد سریع اقتصادی در دهه‌های اخیر در منطقه جنوب آسیا از جمله در ویتنام باعث شده است تا دو الگوی کاملاً متفاوت در بین گروه‌های قومی این کشور شکل گیرد، به طوری که گروه اکثریت ویتنامی‌ها و قومیت‌های چینی‌نژاد دارای نگرش‌های جنسیتی مدرن (مانند افزایش اشتغال زنان و کاهش باروری) هستند. حال آنکه سایر گروه‌ها و اقلیت‌های قومی غالباً دارای الگوهای سنتی نقش‌های جنسیتی هستند.

- نتایج تحقیق فروتن (۲۰۱۵) در استرالیا و نیوزیلند نیز نشان داده است که قومیت و مذهب نقش تعیین‌کننده‌ای در تبیین نگرش‌ها و نقش‌های جنسیتی دارد؛ بدین معنا که زنان متعلق به گروه‌های قومی و مذهبی متعلق به منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا معمولاً دارای نگرش‌های جنسیتی سنتی هستند و در نتیجه از سطح بالای باروری و میزان پایین اشتغال برخوردارند، اما زنان متعلق به گروه‌های قومی سریلانکایی و هندی دارای میزان بسیار بالایی مشارکت در بازار کار هستند.

در جمع‌بندی تحقیقات انجام شده می‌توان گفت که اگرچه طیف فزاینده‌ای از تحقیقات و مطالعات مخصوصاً در طی سال‌های اخیر در زمینه نگرش جنسیتی انجام شده است، ملاحظات قومی و مذهبی در این تحقیقات به‌ویژه در کشور ما ناچیز و کم‌رنگ و به‌طور مشخص تحقیقات معطوف به تفاوت‌های قومی مذهبی در نگرش جنسیتی بسیار اندک است. علاوه بر این، همین تحقیقات انجام شده نیز عمدتاً محدود به حوزه‌های خاص مرتبط با وضعیت زنان، به‌ویژه برپایه رویکردهای جمعیت‌شناختی مانند الگوهای فرزندآوری در میان زنان اقوام و مذاهب گوناگون انجام شده است. اگرچه این قبیل تحقیقات می‌تواند نقش مفیدی در تقویت ادبیات تحقیق داشته باشد، اما لازم است که طیف متنوع موضوعات مرتبط با نقش‌های جنسیتی با تأکید بر ملاحظات قومی مذهبی در تحقیقات جدید مدنظر قرار گیرد.

۲. مبانی نظری

به‌طور کلی، در تحقیق حاضر از چارچوب نظری ترکیبی مبتنی بر سه رویکرد اصلی استفاده شده است. رویکرد اول مبتنی بر آموزه‌ها و باورهای فرهنگی دینی گروه‌های قومی مذهبی است. به عقیده چامی (۱۹۷۷) و لوکاس و میر (۱۳۸۱)، ایدئولوژی دینی برخی

گروه‌ها به گونه‌ای است که نقش‌های جنسیتی خاصی را تجویز و تقویت می‌کند. به‌عنوان مثال، مطابق باورهای برخی گروه‌های قومی مذهبی، ازدواج در سنین پایین تشویق می‌شود، استفاده از وسایل کنترل موالید و سقط جنین را ناشایست و حرام تلقی می‌کنند، یا اساساً داشتن فرزندان زیاد را یک ارزش می‌دانند.

رویکرد دوم نیز معطوف به وضعیت و موقعیت گروه‌های قومی مذهبی به‌عنوان یک گروه اقلیت است. به عقیده مک کویلان (۲۰۰۴)، تفاوت‌های مرتبط با رفتارهای جمعیت‌شناختی برخی گروه‌های قومی مذهبی را باید در چارچوب موقعیت آنان به‌عنوان یک گروه اقلیت تبیین کرد. در همین چارچوب، بین و مارکوم (۱۹۷۸) نیز به حفظ ارزش‌ها و هنجارهای گروه‌های قومی مذهبی اشاره می‌کنند. بدین معنا که این گروه‌ها سعی می‌کنند کماکان موقعیت خود را از طریق تداوم ارزش‌ها و هنجارهایی از قبیل نگرش‌های جنسیتی سنتی و بعد گسترده خانواده حفظ کنند. مطابق رویکرد سوم، ویژگی‌ها و خصایص اقتصادی اجتماعی گروه‌های مذهبی و قومی نقش تعیین‌کننده ایفا می‌کنند. از دیدگاه صاحب‌نظران این دیدگاه مانند وستوف و جونز (۱۹۷۹) و کافمن و اسکایریک (۲۰۱۲)، متغیرهایی همچون مذهب و قومیت فی‌نفسه نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا نمی‌کنند، بلکه آنچه بیش از همه باعث پیدایش الگوهای متفاوت در بین گروه‌های مذهبی و قومی می‌شود، ویژگی‌ها و خصایص اقتصادی و اجتماعی آنهاست. به عقیده آنان، تعلقات قومی و مذهبی به‌عنوان یک عنصر ثانوی محسوب می‌شود و در عوض مجموعه‌ای از شرایط اقتصادی اجتماعی نقش به‌مراتب مهم‌تری در تبیین تفاوت‌های قومی مذهبی ایفا می‌کنند. بدین ترتیب، در تحقیق حاضر تلاش می‌کنیم تا در چارچوب این مدل نظری ترکیبی وستوف و جونز (۱۹۷۹)، چامی (۱۹۸۱)، لوکاس و میر (۱۳۸۱)، مک کویلان (۲۰۰۴) و کافمن و اسکایریک (۲۰۱۲)، مهم‌ترین الگوها و تمایزات مرتبط با مناسبات بین تعلقات قومی مذهبی و نگرش جنسیتی را مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم. مهم‌ترین فرضیه‌های تحقیق حاضر عبارتند از: تفاوت در نگرش جنسیتی تا حدودی ناشی از تعلق قومی است، چراکه فرض می‌شود گروه‌های قومی دارای نگرش جنسیتی متفاوتی هستند. نحوه نگرش جنسیتی تابعی از تعلق مذهبی است، به‌طوری که فرض می‌شود نگرش غیرسنتی در بین گروه شیعی مذهب برجسته‌تر از گروه سنی مذهب است. تفاوت‌های بین گروه‌های قومی در زمینه نگرش‌های جنسیتی به‌طور عمده تحت تأثیر متغیر جنس است.

نگرش‌های جنسیتی مردان و زنان شیعی و سنی مذهب تابعی از جنس آنهاست. در مجموع، مطابق چارچوب نظری تحقیق، به‌ویژه دیدگاه صاحب‌نظرانی همچون وستوف و جونز (۱۹۷۹) و کافمن و اسکایربک (۲۰۱۲)، فرضیه محوری تحقیق حاضر این است که اگرچه ممکن است تفاوت‌هایی در نگرش جنسیتی گروه‌های قومی مذهبی مشاهده شود، صرف تعلق قومی مذهبی نمی‌تواند تبیین‌کننده تفاوت‌ها در نگرش جنسیتی باشد.

۳. روش پژوهش

مباحث این مقاله به لحاظ روش‌شناسی ترکیبی از دو روش بررسی اسنادی و تحقیق پیمایشی است. بدین ترتیب، در تحقیق حاضر تلاش شده با استفاده از روش بررسی اسنادی و کتابخانه‌ای، مهم‌ترین مباحث مرتبط با پیشینه و ادبیات تحقیق و مبانی نظری تحقیق را مورد بحث و بررسی قرار دهیم. همچنین، مباحث تجربی این مقاله نیز مبتنی بر تجزیه و تحلیل‌های یک پژوهش پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش پیمایشی را مردان و زنان ۱۵ ساله و بالاتر شهرستان بجنورد در استان خراسان شمالی تشکیل می‌دهند که براساس جدیدترین سرشماری عمومی جمعیت در سال ۱۳۹۰ تعداد آنها برابر با ۲۶۴۹۱۷ نفر (۱۵۷۳۴۲ ساکن در نقاط شهری و ۱۰۷۵۴۷ نفر ساکن در نقاط روستایی) است. با استفاده از روش کوکران برای تعیین حجم نمونه، ۴۷۰ نفر به‌عنوان جمعیت نمونه این تحقیق انتخاب شده‌اند. برای گزینش نمونه‌های تحقیق نیز از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده است. ابزار گردآوری اطلاعات و داده‌های تحقیق نیز پرسشنامه ساخت‌یافته بود که توسط پرسشگران آموزش‌دیده و مطابق دستورالعمل مشخص شده انجام شده است. پس از گردآوری داده‌های مورد نیاز این تحقیق، با استفاده از تکنیک پرسشنامه، از نرم افزار SPSS و مجموعه‌ای از آماره‌های توصیفی و آزمون‌های تحلیل استنباطی برای تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق استفاده شده است.

متغیر وابسته اصلی در این تحقیق، متغیر نگرش به نقش‌های جنسیتی (نگرش‌های جنسیتی) است. برای سنجش این متغیر وابسته اصلی از مدل اگموند و همکاران^۱ (۲۰۱۰)

1. Egmond et al.

استفاده شده که بر اساس آن، گویه‌های پنج‌گانه برای سنجش نگرش‌های جنسیتی مدنظر قرار گرفته‌اند. سپس هر یک از این گویه‌های پنج‌گانه در چهار سطح (کاملاً موافق، موافق، مخالف و کاملاً مخالف) در پرسشنامه تحقیق از سوی پاسخگویان مورد سنجش و اندازه‌گیری قرار گرفته‌اند. در پایان، نگرش‌های جنسیتی را بر روی یک طیف (مقیاس) نشان داده شد که مشتمل بر چهار سطح (نگرش‌های جنسیتی مدرن، تقریباً مدرن، سنتی و کاملاً سنتی) است.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه پژوهش

چنانکه پیش‌تر نیز اشاره شد، جمعیت نمونه این تحقیق را ۴۷۰ نفر از افراد ۱۵ ساله و بالاتر شهرستان بجنورد در استان خراسان شمالی تشکیل می‌دهند که نیمی از آنان را زنان و نیم دیگر را نیز مردان تشکیل می‌دهند. از نقطه نظر محل سکونت نیز یک پنجم جمعیت نمونه تحقیق ساکن نقاط روستایی و مابقی ساکن مناطق شهری هستند. علاوه بر این، حدود ۶۲ درصد جمعیت نمونه تحقیق را افراد متأهل و حدود ۳۷ درصد را نیز افراد مجرد تشکیل می‌دهند. از نقطه نظر تحصیلات نیز در حدود یک سوم جمعیت نمونه دارای تحصیلات عالی دانشگاهی کارشناسی و بالاتر، ۱۷ درصد دارای تحصیلات کاردانی، نزدیک به ۳۰ درصد دارای تحصیلات متوسطه، ۲۰ درصد دارای تحصیلات راهنمایی و ابتدایی و ۳ درصد نیز بی‌سواد هستند. به لحاظ متغیر سن نیز میانه سنی جمعیت نمونه تحقیق ۲۵/۶۴ سال است، بدین معنا که نیمی از آنان در سنین بالاتر از تقریباً ۲۶ سال و نیم دیگر نیز در سنین پایین‌تر از آن هستند. میانه سنی جمعیت کل کشور ما نیز در حدود ۲۷ سال است.

۴-۲. الگوهای کلی و اولیه نگرش‌های جنسیتی

داده‌های اولیه این تحقیق در خصوص نگرش‌های جنسیتی مطابق مدل آگموند و همکاران (۲۰۱۰) به تفکیک هر یک از گویه‌های پنج‌گانه آن در جدول ۱ نشان داده شده است. داده‌های این جدول نشان‌دهنده نسبت افرادی است که نگرش مثبت (اعم از کاملاً موافق و موافق) خود را در خصوص هر یک از این گویه‌های پنج‌گانه اظهار داشته‌اند. به‌طور کلی، مطابق داده‌های این جدول می‌توان نکاتی را استنباط کرد.

نکته اول اینکه، به طور کلی تنها یک سوم افراد دارای نگرش مثبت نسبت به الگوی «مرد به عنوان نان آور خانوار و زن به عنوان خانه دار» هستند. دوم اینکه در ۴ گویه دیگر سنجش نگرش های جنسیتی نیز اکثریت افراد دارای نگرش مثبت هستند که برجسته ترین آن مربوط به گویه دوم است، بدین معنا که نزدیک به ۹۰ درصد آنان با گویه «مشارکت زن و شوهر در انجام کارهای داخل خانه» دارای نگرش مثبت (اعم از کاملاً موافق و موافق) هستند. در عین حال، کمترین نگرش مثبت مربوط به گویه سوم است، به طوری که حدود دو سوم افراد با گویه «فرصت برابر مرد و زن برای ارتقای شغلی و مدیریتی» دارای نگرش مثبت (اعم از کاملاً موافق و موافق) و یک سوم باقی مانده دارای نگرش منفی (اعم از مخالف و کاملاً مخالف) با این گویه هستند.

علاوه بر این، تجزیه و تحلیل الگوهای کلی ذکر شده به تفکیک مذهب نشان می دهد که در خصوص نگرش های جنسیتی نسبت به هر یک از گویه های پنج گانه مندرج در جدول شماره ۱، الگوهای کلی ذکر شده کمابیش بر هر دو گروه مذهبی شیعی و سنی صدق می کند. با این همه، چنانچه متغیر جنس نیز به تجزیه و تحلیل های مبتنی بر مذهب افزوده شود، تفاوت های برجسته ای مشاهده می گردد که می توان به نکته های زیر اشاره کرد: نخست اینکه، در هر یک از دو گروه مذهبی شیعه و سنی، زنان بیش از مردان دارای نگرش مثبت نسبت به هر یک از گویه های جنسیتی پنج گانه مندرج در جدول ۱ هستند. دوم اینکه، نگرش مردان نسبت به هر یک از گویه های پنج گانه سنجش نگرش های جنسیتی چندان تحت تأثیر مذهب آنها نیست، بدین معنا که مردان، خواه شیعی مذهب یا سنی مذهب، دارای نگرش کمابیش مشابهی نسبت به این گویه های پنج گانه هستند. سوم اینکه، نگرش های جنسیتی در میان زنان به نسبت بیشتر تحت تأثیر مذهب آنهاست که البته جهت و سمت و سوی آن در گویه های پنج گانه سنجش نگرش های جنسیتی متفاوت است. به عنوان مثال، نسبت زنان شیعی مذهب که دارای نگرش مثبت (اعم از موافق و کاملاً موافق) به گویه «تأمین تسهیلات لازم برای اشتغال زنان مانند مهد کودک» هستند (۹۴ درصد) بیش از نسبت مشابه در بین زنان سنی مذهب (۸۷ درصد) می باشد. برعکس، زنان سنی مذهب بیش از زنان شیعی مذهب دارای نگرش مثبت به گویه «فرصت برابر مرد و زن برای ارتقای شغلی و مدیریتی» (به ترتیب، ۷۶ درصد و ۷۱ درصد) هستند. ضمن آنکه، زنان سنی مذهب و زنان شیعی مذهب متفقاً و مشترکاً بیشترین میزان نگرش مثبت (۹۵

درصد) را نسبت به گویه «مشارکت زن و شوهر در انجام کارهای داخل خانه» اظهار کرده‌اند. سوم اینکه هم زنان شیعی مذهب و هم زنان سنی مذهب بیش از مردان هم مسلک و مذهب خودشان با الگوی «مرد نان آور خانوار» دارای نگرش مثبت هستند.

جدول ۱. نگرش مثبت (کاملاً موافق و موافق) به گویه‌های پنج‌گانه آگموند و همکاران (۲۰۱۰) برحسب مذهب

کل	سنی			شیعه			گویه‌ها
	جمع	زن	مرد	جمع	زن	مرد	
۳۱/۴	۳۰/۰	۳۷/۴	۲۳/۴	۳۲/۳	۴۰/۵	۲۳/۴	مرد به‌عنوان نان‌آور خانه و زن به‌عنوان خانه‌دار
۸۸/۱	۸۶/۲	۹۳/۹	۷۹/۲	۸۹/۶	۹۴/۸	۸۳/۸	مشارکت زن و شوهر در انجام کارهای داخل خانه
۶۵/۲	۶۶/۱	۷۵/۸	۵۷/۶	۶۴/۲	۷۱/۳	۵۶/۴	فرصت برابر مرد و زن برای ارتقای شغلی و مدیریتی
۸۵/۸	۸۴/۳	۸۶/۹	۸۲/۰	۸۸/۱	۹۴/۱	۸۱/۴	تأمین تسهیلات برای اشتغال زنان مانند مهدکودک و غیره
۷۸/۷	۷۸/۱	۷۹/۸	۷۶/۵	۷۹/۲	۸۳/۹	۷۴/۲	خوب و محترم بودن زن شاغل به اندازه زن غیرشاغل
۴۷۰	۲۱۰	۹۹	۱۱۱	۲۶۰	۱۳۶	۱۲۴	تعداد

علاوه بر این، نتایج اولیه این تحقیق در خصوص نگرش‌های جنسیتی نسبت به هر یک از گویه‌های پنج‌گانه به تفکیک گروه‌های قومی در جدول ۲ نشان داده شده است. مطابق داده‌های این جدول، می‌توان الگوهای زیر را استنباط کرد:

نخست آنکه، تقریباً در تمامی گروه‌های قومی کماکان در حدود یک سوم افراد دارای نگرش مثبت نسبت به الگوی «مرد به‌عنوان نان‌آور خانوار و زن به‌عنوان خانه‌دار» هستند. اما این نسبت در بین گروه قومی «ترک» تا حدودی بیشتر (۴۵ درصد) است. دوم آنکه، در ۴ گویه دیگر سنجش نگرش‌های جنسیتی نیز اکثریت افراد دارای نگرش مثبت هستند که برجسته‌ترین آن مربوط به گویه دوم است، بدین معنا که در تمامی گروه‌های قومی بیش از ۸۵ درصد افراد با گویه «مشارکت زن و شوهر در انجام کارهای داخل خانه» دارای نگرش مثبت (اعم از کاملاً موافق و موافق) هستند که البته بیشترین میزان آن در بین گروه قومی «تات» (تقریباً ۹۵ درصد) است. سوم آنکه، کمترین نگرش مثبت افراد متعلق به تمامی گروه‌های قومی مربوط به گویه سوم است. ضمن آنکه بیشترین تفاوت‌های قومی نیز در همین گویه مشاهده می‌شود، بدین معنا که از یک طرف، بیش از یک سوم افراد دو گروه قومی «کرد» و «فارس» با گویه «فرصت برابر مردان و زنان برای ارتقای شغلی و مدیریتی» دارای نگرش منفی (اعم از مخالف و کاملاً مخالف) هستند. از طرف دیگر، این نسبت در میان افراد گروه قومی «ترک» کمتر (در حدود یک چهارم) است.

جدول ۲. نگرش مثبت (کاملاً موافق و موافق) به گویه‌های پنج‌گانه مدل آگموند و همکاران (۲۰۱۰) برحسب قومیت

گویه‌ها	ترک	کرد	تات	فارس	ترکمن	کل
مرد به عنوان نان‌آور خانه و زن به عنوان خانه‌دار	۴۴/۴	۳۰/۸	۳۲/۳	۳۰/۷	۳۰	۳۱/۴
مشارکت زن و شوهر در انجام کارهای داخل خانه	۸۷/۷	۸۷/۷	۹۳/۸	۸۹/۲	۸۶/۲	۸۸/۱
فرصت برابر مرد و زن برای ارتقای شغلی و مدیریتی	۷۵/۳	۵۸/۵	۶۳/۱	۶۰	۶۶/۱	۶۵/۲
تأمین تسهیلات برای اشتغال زنان مانند مهدکودک و غیره	۸۹/۲	۸۷/۷	۸۹/۳	۸۶/۲	۸۴/۳	۸۵/۸
محترم بودن زن شاغل به اندازه زن غیرشاغل	۸۰	۸۰	۸۰	۸۶	۷۸/۱	۷۸/۷
تعداد	۶۵	۶۵	۶۵	۶۵	۲۱۰	۴۷۰

۳-۴. نتایج سطوح نگرش‌های جنسیتی

چنانکه پیش‌تر در بخش روش تحقیق نیز اشاره شد، در این تحقیق با استفاده از مدل آگموند و همکاران (۲۰۱۰)، نگرش‌های جنسیتی بر روی یک طیف چهار سطحی (مشمول بر نگرش‌های جنسیتی مدرن، تقریباً مدرن، سنتی و کاملاً سنتی) سنجش و تنظیم شده است. نتایج این بخش از تحقیق در جدول ۳ و ۴ نشان داده شده است. مطابق این داده‌ها، اکثر چشمگیر افراد مورد مطالعه دارای نگرش‌های جنسیتی غیرسنتی هستند، به طوری که نزدیک به نیمی از آنان دارای نگرش جنسیتی مدرن هستند. این الگوی کلی کمابیش هم بر افراد شیعی مذهب هم بر افراد سنی مذهب صدق می‌کند. علاوه بر این، مردان بیش از زنان دارای نگرش جنسیتی سنتی هستند که هم در میان افراد شیعی مذهب هم در میان افراد سنی مذهب مشاهده می‌شود. ضمن آنکه، مقایسه این دو گروه مذهبی برحسب جنس نشان می‌دهد که از یک طرف، مردان شیعی و سنی مذهب تقریباً دارای نگرش جنسیتی مشابهی هستند، به طوری که تنها حدود یک سوم مردان اعم از شیعی مذهب و سنی مذهب دارای نگرش جنسیتی مدرن هستند. از طرف دیگر، نگرش جنسیتی زنان تابعی از مذهب آنها است، بدین معنا که دو سوم زنان شیعی مذهب دارای نگرش جنسیتی مدرن هستند. اما این نسبت در میان زنان سنی مذهب تا حدودی کمتر (حدود ۵۷ درصد) است.

جدول ۳. سطوح نگرش‌های جنسیتی برحسب گروه‌های مذهبی

نگرش جنسیتی	شیعه			سنی			کل
	مرد	زن	جمع	مرد	زن	جمع	
نگرش مدرن	۳۲/۳	۶۵/۴	۴۹/۶	۳۵/۱	۵۷/۶	۴۵/۷	۴۷/۹
تقریباً مدرن	۶۱/۳	۳۳/۱	۴۶/۵	۵۸/۶	۳۹/۴	۴۹/۵	۴۷/۹
نگرش سنتی	۵/۶	۰/۷	۳/۱	۵/۴	۱/۰	۳/۳	۳/۲
کاملاً سنتی	۰/۸	۰/۷	۰/۸	۰/۹	۲/۰	۱/۴	۱/۱
جمع	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰
فراوانی	۱۲۴	۱۳۶	۲۶۰	۱۱۱	۹۹	۲۱۰	۴۷۰

نتایج این تحقیق در خصوص نقش قومیت بر روی نگرش‌های جنسیتی مطابق مدل آگموند و همکاران (۲۰۱۰) در جدول ۴ نشان داده شده است. مطابق این داده‌ها، گرچه اکثریت چشمگیر افراد تمامی گروه‌های قومی دارای نگرش‌های جنسیتی غیرسنتی هستند، تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای نیز بین آنها وجود دارد. برای مثال، بالاترین میزان نگرش‌های جنسیتی غیرسنتی در میان گروه قومی «تات» و پایین‌ترین آن نیز در میان گروه قومی «ترکمن» مشاهده می‌شود؛ بدین معنا که ۵۲ درصد تات‌ها دارای نگرش جنسیتی مدرن هستند، در حالی که این نسبت در میان ترکمن‌ها در حدود ۴۵ درصد است. چنانچه متغیر جنس را نیز به این تجزیه و تحلیل اضافه کنیم، الگوهای مهم‌تری را می‌توان استنباط کرد. نخست، در بین تمامی گروه‌های قومی، زنان بیش از مردان دارای نگرش جنسیتی مدرن هستند. دوم، میزان و شدت این تفاوت‌های نگرشی بین مردان و زنان به‌طور چشمگیری تابعی از گروه‌های قومی است. بدین معنا که از یک سو این تفاوت نگرشی در بین مردان و زنان ترکمن به نسبت اندک است که علت اصلی آن پایین‌ترین سطح میزان نگرش جنسیتی مدرن (۵۷ درصد) زنان ترکمن در مقایسه با زنان سایر گروه‌های قومی است. این نسبت در بین زنان ترک برابری با ۷۰ درصد است. تفاوت‌های نگرشی بین مردان و زنان گروه قومی تات نیز به نسبت اندک است که عمدتاً ناشی از این است که مردان تات در مقایسه با مردان سایر گروه‌های قومی دارای بالاترین میزان نگرش جنسیتی مدرن (۴۰ درصد) هستند که دو برابر نسبت آن در بین مردان فارس است.

از سوی دیگر، این تفاوت نگرشی در بین مردان و زنان سایر گروه‌های قومی به نسبت بیشتر است که برجسته‌ترین آن را می‌توان در گروه قومی فارس مشاهده کرد. بدین معنا که در بین فارس‌ها، زنان ۳ برابر بیشتر از مردان دارای نگرش جنسیتی مدرن هستند. به عبارت دقیق‌تر، مردان فارس بیشترین میزان نگرش جنسیتی سنتی (۱۲ درصد) را دارند. بنابراین، بر

پایه نکات ذکر شده می توان استنباط کرد که هریک از دو گروه «زنان ترک» و «مردان تات» در بین افراد همجنس خویش از بالاترین سطح نگرش جنسیتی مدرن برخوردار هستند، در حالی که هریک از دو گروه «زنان ترکمن» و «مردان فارس» در بین افراد همجنس خویش دارای پایین ترین سطح نگرش جنسیتی مدرن هستند.

جدول ۴. سطوح نگرش های جنسیتی بر حسب گروه های قومی

قومیت	نگرش جنسیتی			
	نگرش مدرن	تقریباً مدرن	نگرش سنتی	کاملاً سنتی
ترک	۵۰/۸	۴۹/۲	۰/۰	۰/۰
مرد	۳۴/۳	۶۵/۷	۰/۰	۱۰۰/۰
زن	۷۰	۳۰	۰/۰	۱۰۰/۰
کرد	۴۷/۷	۴۷/۷	۱/۵	۳/۱
مرد	۱/۳۰	۶۳/۳	۳/۳	۱۰۰/۰
زن	۶۲/۹	۳۴/۳	۰/۰	۱۰۰/۰
تات	۵۲/۳	۴۳/۱	۴/۶	۰/۰
مرد	۴۱/۲	۵۰	۸/۸	۱۰۰/۰
زن	۶۴/۵	۳۵/۵	۰/۰	۱۰۰/۰
فارس	۴۷/۷	۴۶/۲	۶/۲	۰/۰
مرد	۲۰/۰	۶۸/۰	۱۲/۰	۱۰۰/۰
زن	۶۵/۰	۳۲/۵	۲/۵	۱۰۰/۰
ترکمن	۴۵/۷	۴۹/۵	۳/۳	۱/۴
مرد	۳۵/۱	۵۸/۶	۵/۴	۰/۹
زن	۵۷/۶	۳۹/۴	۰/۱	۰/۲
فراوانی	۲۲۵	۲۲۵	۱۵	۵

۴-۴. اشتغال زنان، مذهب و قومیت

در این تحقیق یکی از مهم ترین جنبه های نقش های جنسیتی و نحوه نگرش به آن، به منظور بررسی دقیق تر نقش قومیت و مذهب مورد توجه قرار داده شده است. بر همین اساس، داده های این تحقیق در جدول ۵ به این پرسش پاسخ می دهد که آیا نگرش به اشتغال زنان تابعی از قومیت و مذهب می باشد. مطابق داده های این جدول، می توان نکات عمده زیر را استنباط و خاطر نشان کرد. نخست اینکه، به طور کلی قاطبه افراد اعم از شیعی مذهب و سنی مذهب با اشتغال زنان موافق هستند (تقریباً ۹۲ درصد). دوم اینکه، زنان بیش از مردان با اشتغال زنان موافق هستند. این الگو نیز هم بر افراد شیعی مذهب و هم بر افراد سنی مذهب صدق می کند بدین معنا که ۹۵ درصد زنان سنی مذهب و زنان شیعی مذهب با اشتغال زنان

موافق هستند، درحالی که این نسبت در میان هم مردان سنی مذهب و هم مردان شیعی مذهب در حدود ۸۸ درصد است.

علاوه براین، بررسی نقش قومیت بر روی نگرش به اشتغال زنان نشان می‌دهد که اگرچه به‌طور کلی بیش از ۹۰ درصد افراد در هر یک از گروه‌های قومی دارای نگرش مثبت و موافق با اشتغال زنان هستند، این نگرش گروه‌های قومی نیز تحت تأثیر جنس آنان است. بدین معنا که تقریباً در تمامی گروه‌های قومی، زنان بیش از مردان دارای نگرش مثبت به اشتغال زنان هستند. بیشترین میزان و حد این تفاوت مربوط به گروه قومی فارس است، چراکه مردان فارس دارای کمترین نگرش مثبت به اشتغال زنان هستند (۸۴ درصد)، درحالی که این نسبت در میان مردان ترک و تات ۹۱ درصد است. از سوی دیگر، کمترین میزان این تفاوت مربوط به گروه قومی تات است، چراکه مردان و زنان تات تقریباً به یک میزان (در حدود ۹۰ درصد) با اشتغال زنان موافق هستند. ضمن آنکه، بالاترین میزان نگرش مثبت با اشتغال زنان مربوط به زنان کرد است (۱۰۰ درصد)، درحالی که نسبت مشابه آن در میان مردان کرد ۸۷ درصد است.

جدول ۵. نگرش مثبت اعم از کاملاً موافق و موافق نسبت به اشتغال زنان برحسب مذهب و قومیت

مذهب و قومیت	مرد	زن	کل	فراوانی
مذهب	شیعه	۸۸/۷	۹۵/۶	۲۶۰
	سنی	۸۷/۳	۹۵/۹	۲۱۰
کل				
قومیت	ترک	۹۱/۴	۹۳/۴	۶۵
	کرد	۸۶/۷	۱۰۰	۶۵
	تات	۹۱/۲	۹۰/۳	۶۵
	فارس	۸۴/۰	۹۷/۵	۶۵
	ترکمن	۸۷/۳	۹۵/۹	۲۱۰
	کل	۸۸/۱	۹۵/۷	۴۷۰

۴-۵. تجزیه و تحلیل‌های استنباطی

نتایج و یافته‌های این تحقیق مبتنی بر تجزیه و تحلیل‌های استنباطی در خصوص برخی از مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های نگرش‌های جنسیتی در جدول ۶ ارائه شده است. مطابق این تجزیه و تحلیل‌های استنباطی می‌توان سه نکته اصلی را مطرح کرد: نکته نخست اینکه، سطح معناداری مناسبات بین جنس و نگرش‌های جنسیتی کمتر از ۰/۰۵ است، بدین معنا که

تفاوت‌های معناداری بین نگرش‌های جنسیتی مردان و زنان وجود دارد. پیش از این نیز خاطرنشان شد که زنان بیش از مردان دارای نگرش‌های مدرن و غیرسنتی هستند. اینک، نتایج تحلیل‌های استنباطی نشان می‌دهند که این تفاوت‌های جنسیتی به لحاظ آماری نیز معنادار هستند.

نکته دوم اینکه نتایج تجزیه و تحلیل‌های استنباطی و آزمون پارامتریک تحلیل واریانس یک طرفه^۱ نشان می‌دهد که سطح معناداری مناسبات بین هر یک از دو متغیر اصلی (قومیت و مذهب) و نگرش‌های جنسیتی بیشتر از ۰/۰۵ است، بدین معنا که نگرش‌های جنسیتی دو گروه مذهبی شیعی و سنی و همچنین نگرش‌های جنسیتی گروه‌های قومی در این تحقیق فاقد تفاوت معناداری با یکدیگر هستند. به عبارت دقیق‌تر، با ترکیب نتایج توصیفی قبلی و این تجزیه و تحلیل‌های استنباطی می‌توان گفت: صرف اینکه افراد به کدام یک از این گروه‌های قومی یا گروه‌های مذهبی تعلق دارند، لزوماً به‌عنوان یک عنصر تعیین‌کننده نگرش‌های جنسیتی آنها محسوب نمی‌شود، بلکه آنچه نقش به مراتب مهم‌تر و تعیین‌کننده‌تری دارد، همان عنصر «جنس» یعنی تفاوت‌های مرتبط با نگرش‌های جنسیتی بین مردان و زنان در هر یک از این گروه‌های مذهبی و قومی است.

نکته سوم اینکه مطابق تجزیه و تحلیل‌های استنباطی و آزمون پارامتریک تحلیل واریانس یک طرفه سطح معناداری رابطه بین هر یک از سه متغیر مستقل (سن، تحصیلات و وضعیت تأهل) با نگرش‌های جنسیتی بیشتر از ۰/۰۵ است، بدین معنا که نگرش‌های جنسیتی فاقد تفاوت معناداری برحسب هر یک از این سه متغیر مستقل هستند. به عبارت دقیق‌تر، نگرش‌های جنسیتی غیرسنتی در جمعیت مورد مطالعه به حدی گسترده و فراگیر است که افراد، صرف نظر از اینکه به لحاظ سنی و تحصیلی و تأهل در چه وضعیتی هستند، غالباً دارای نگرش‌های مدرن و غیرسنتی هستند.

جدول ۶. نتایج تجزیه و تحلیل‌های استنباطی مرتبط با تعیین کننده‌های نگرش‌های جنسیتی

متغیر مستقل	مؤلفه‌ها	تعداد مشاهدات	میانگین	T	معناداری
جنسیت	مردان	۲۳۵	۱۱/۴۳	۷/۲۹	۰/۰۰
	زنان	۲۳۵	۹/۸۰		
مذهب	شیعی	۲۶۰	۱۰/۵۱	-۰/۹۸	۰/۳۳
	سنی	۲۱۰	۱۰/۷۴		
متغیر مستقل	مؤلفه‌ها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	F	معناداری
قومیت	بین‌گروهی	۸/۹۰		۰/۳۴	۰/۸۵
	درون‌گروهی	۳۰۵۰/۳۹	۴۶۵		
	کل	۳۰۵۹/۲۹	۴۶۹		
سن	بین‌گروهی	۵۶/۸۷	۱۰	۱/۰۱	۰/۴۳
	درون‌گروهی	۲۹۹۳/۴۳	۴۵۹		
	کل	۳۰۵۹/۲۹	۴۶۹		
تحصیلات	بین‌گروهی	۷۸/۳۴	۸	۱/۵۱	۰/۱۵
	درون‌گروهی	۲۹۸۰/۹۵	۴۶۱		
	کل	۳۰۵۹/۲۹	۴۶۹		
وضعیت تأهل	بین‌گروهی	۶/۴۹	۳	۰/۳۳	۰/۸۰
	درون‌گروهی	۳۰۵۲/۸۰	۴۶۶		
	کل	۳۰۵۹/۲۹	۴۶۹		

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این تحقیق تلاش شده مهم‌ترین الگوها و تعیین‌کننده‌های مرتبط با تفاوت‌های قومی مذهبی نگرش‌های جنسیتی مورد مطالعه قرار گیرد. برای سنجش نگرش‌های جنسیتی نیز از گویه‌های پنج‌گانه آگموند و همکاران (۲۰۱۰) استفاده شد. نتایج تجزیه و تحلیل‌های تحقیق حاضر را می‌توان در دو بخش اصلی زیر خلاصه و جمع‌بندی کرد:

بخش نخست ناظر بر این واقعیت است که به‌طور کلی نگرش‌های جنسیتی در بین تمامی گروه‌های قومی و مذهبی جامعه مورد مطالعه اساساً تحت تأثیر یک اصل و قاعده مهم یعنی اصل «همگرایی» است. بدین معنا که دو متغیر مستقل بنیادین در این تحقیق (قومیت و مذهب) کانون اصلی مطالعه بوده‌اند، درعین حال تجزیه و تحلیل‌های این تحقیق نشان داد که گرچه برخی تفاوت‌های قومی مذهبی وجود دارد، در مجموع نگرش‌های جنسیتی غیرسنجی‌چنان فراگیر و همه‌گیر بود که نقش دو متغیر مستقل قومیت و مذهب را تحت شعاع قرار داده است، به‌طوری که افراد صرف نظر از اینکه به کدام گروه قومی یا کدام گروه مذهبی متعلق هستند، غالباً دارای نگرش‌های جنسیتی غیرسنجی هستند. در همین

چارچوب، نکته قابل توجه دیگر این است که قوت و شدت این اصل همگرایی به حدی زیاد است که تأثیرات سایر متغیرهای مستقل مانند سن و تحصیلات و وضعیت تأهل را نیز تحت شعاع قرار داده، به طوری که نگرش‌های جنسیتی غیرسنی در میان اغلب افراد (فارغ از اینکه در چه وضعیت سنی و تحصیلی و تأهل هستند) مشاهده شده است. بدین ترتیب، این بخش از نتایج و یافته‌های تحقیق حاضر با این الگو و مدلی که در ادبیات تحقیق از آن با عنوان «انتقال فرهنگی بین نسلی نگرش‌ها» نام برده می‌شود، مطابقت و همخوانی دارد.

بخش دوم یافته‌های تحقیق حاضر نیز ناظر بر این واقعیت است که گرچه اصل همگرایی بر قسمت قابل ملاحظه‌ای از تجزیه و تحلیل‌های این تحقیق سایه افکنده است، با این همه کماکان می‌توانیم تفاوت‌های کمابیش مهم و معناداری را استنباط کرد. در این میان، مهم‌ترین متغیر مستقل که توانسته است فراتر از اصل همگرایی، اهمیت و تأثیرگذاری برجسته خود را بر نگرش‌های جنسیتی در میان گروه‌های قومی مذهبی نشان دهد، متغیر «جنسیت» (تفاوت‌های بین مردان و زنان) است. بدین معنا که مادامی که توجه و تمرکز ما صرفاً محدود به دو متغیر قومیت و مذهب است، تفاوت‌های چندان چشمگیر و معناداری بین گروه‌های قومی مذهبی از نقطه نظر نگرش‌های جنسیتی مشاهده نمی‌شود. هنگامی که یک متغیر جدید یعنی متغیر جنسیت نیز به آن افزوده می‌شود، تفاوت‌های چشمگیر و معناداری بین مردان و زنان در هر یک از گروه‌های قومی مذهبی بروز می‌کند. به عبارت دقیق‌تر، با در نظر گرفتن همزمان مثلث «قومیت - مذهب - جنسیت» در یافته‌ایم که در هر یک از گروه‌های قومی و گروه‌های مذهبی شیعی و سنی، زنان بیش از مردان دارای نگرش‌های جنسیتی مدرن و غیرسنی هستند. به عبارت دقیق‌تر، نقش متغیر جنسیت به حدی قوی و تعیین‌کننده است که توانسته است فراتر از دو متغیر قومیت و مذهب، تأثیر و نفوذ معناداری اعمال نماید، به طوری که زنان صرف نظر از اینکه به چه گروه قومی یا به کدام گروه مذهبی شیعی یا سنی تعلق دارند، بیش از مردان هم قوم و هم مذهب خویش دارای نگرش‌های جنسیتی مدرن و غیرسنی هستند. این بخش از نتایج تحقیق نیز نه تنها شواهد پژوهشی جدیدتری را برای تأیید الگوی «پیش‌قراولی و پرچمداری زنان در عرصه نگرش‌های جنسیتی مدرن و غیرسنی» ارائه می‌کند، با ادبیات تحقیق نیز انطباق و هماهنگی دارد که جمعیت زنان به‌ویژه دختران جوان را به‌عنوان «موتور محرکه تحولات نگرشی نقش‌های جنسیتی» (Valentova, 2012) معرفی کرده است.

دیگر آنکه، اهمیت متغیر جنسیت در تجزیه و تحلیل‌های این تحقیق ریشه در این واقعیت نیز دارد که می‌توانیم به کمک آن فهم و شناخت بهتر و دقیق‌تری از تفاوت‌های قومی مذهبی نیز به دست آوریم. به‌عنوان مثال، چنانچه صرفاً به نقش مذهب توجه کنیم، در آن صورت تفاوت معناداری بین دو گروه مذهبی شیعی و سنی مشاهده نمی‌شود. اما با توجه همزمان به متغیر جنسیت، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که تفاوت‌های به نسبت معناداری بین این دو گروه مذهبی بروز می‌کند، به‌طوری که از یک سو، مردان شیعی و سنی مذهب از سطح پایین‌تری از نگرش‌های جنسیتی مدرن و غیرسنتی برخوردارند و از سوی دیگر زنان شیعی مذهب تا حدودی بیش از زنان سنی مذهب دارای نگرش‌های جنسیتی مدرن و غیرسنتی هستند. ضمن آنکه، متغیر جنسیت نقش به مراتب برجسته‌تری در زمینه شناخت تفاوت‌های مرتبط با نگرش‌های جنسیتی در میان گروه‌های قومی ایفا می‌کند. برای مثال، مطابق نتایج این تحقیق، هریک از دو گروه «زنان ترکمن» و «مردان فارس» در بین افراد همجنس خود از پایین‌ترین سطح نگرش جنسیتی مدرن و غیرسنتی برخوردارند، درحالی که هریک از دو گروه «زنان ترک» و «مردان تات» در بین افراد همجنس خود دارای بالاترین سطح نگرش جنسیتی مدرن و غیرسنتی هستند. جان کلام اینکه، یافته‌های تحقیق حاضر بر این نکته کلیدی تأکید دارد که همزمان با ورود متغیر جنسیت، زمینه‌های مناسب و مساعدی برای فهم و شناخت دقیق‌تر و جامع‌تر تفاوت‌های قومی مذهبی مرتبط با نگرش‌های جنسیتی فراهم می‌آید. برای تبیین و تحلیل این یافته‌های پژوهشی، می‌توان از چارچوب نظری تحقیق حاضر، به‌ویژه رویکرد سوم آن استفاده کرد. مطابق دیدگاه صاحب‌نظران برجسته این تئوری مانند وستوف و جونز (۱۹۷۹) و کافمن و اسکایربک (۲۰۱۲)، آنچه بیش از همه باعث پیدایش الگوهای متفاوت در بین گروه‌های مذهبی و قومی می‌شود، ویژگی‌ها و خصایص اقتصادی اجتماعی آنهاست، چراکه متغیرهایی همچون مذهب و قومیت فی‌نفسه نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا نمی‌کنند. بنابراین، در تبیین نتایج تحقیق حاضر می‌توان گفت که این نتایج با ایده اصلی وستوف و جونز (۱۹۷۹) مطابقت و همخوانی بیشتری دارد که در دوران معاصر هرچه جوامع بیشتر مدرن می‌شوند، تفاوت بین گروه‌های قومی مذهبی نیز رفته رفته کم اهمیت‌تر می‌شود. به عبارت دقیق‌تر، یافته‌های این تحقیق را می‌توان شواهد تجربی جدید در چارچوب مبانی نظری تحقیق به‌ویژه دیدگاه کافمن و اسکایربک (۲۰۱۲) تلقی کرد، مبنی بر اینکه قومیت و مذهب

همچون یک عنصر ثانوی در تبیین الگوهای قومی مذهبی عمل می‌کنند و سطح توسعه اقتصادی اجتماعی و واقعیت‌های زندگی روزمره نقش به مراتب مهم‌تری ایفا می‌کنند که به عنوان نمونه می‌توان به مواردی همچون اقتصاد کشاورزی سنتی در برابر اقتصاد مدرن، زندگی روستائینی در برابر شهرنشینی، سنت‌گرایی و بی‌سوادی در برابر مدرنیسم و گسترش تحصیلات عالی و غیره اشاره کرد. در پایان، بر پایه یک رویکرد سیاستی و برنامه‌ریزی نیز می‌توان گفت که آموزه‌های نظری و یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که به‌ویژه در دوران معاصر اهداف برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های ملی در عرصه‌های گوناگون حیات جامعه نیز از طریق ارتقای سطح توسعه و بهبود شرایط اقتصادی اجتماعی در سطح کل جامعه مشتمل بر تمامی گروه‌های قومی مذهبی تأمین و تحقق می‌یابند.



فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. اسدی، علی و همکاران (۱۳۵۶). تمایلات فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در ایران: گزارشی پیرامون یک تحقیق در تهران.
۲. ترکاشوند، محمد (۱۳۹۱). «قومیت و باروری: نگاهی به کارهای صورت گرفته در ایران»، فصلنامه جمعیت، شماره ۸۰: ۸۲-۶۵.
۳. حسینی، حاتم و محمد جلال عباسی شوازی (۱۳۸۹). «تعیین کننده‌های بلا فصل باروری زنان ترک و کرد شهرستان ارومیه»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، شماره ۱۰: ۴۸-۲۳.
۴. خمسه‌ای، اکرم (۱۳۸۵). «بررسی نقش عوامل فرهنگی-اجتماعی طرحواره‌های نقش جنسیتی در دو گروه قومی از دانشجویان در ایران»، نشریه مطالعات روان‌شناختی، دوره ۳، شماره ۲: ۱۴۶-۱۲۹.
۵. طالب، مهدی و محسن گودرزی (۱۳۸۳). «قومیت و جنسیت: مطالعه موردی گروه‌های قومی در سیستان و بلوچستان»، پژوهش زنان، دوره ۲ (۱): ۲۳-۴۸.
۶. عبدی، عباس و محسن گودرزی (۱۳۷۷). «تحولات فرهنگی در ایران»، تهران: انتشارات روش.
۷. فروتن، یعقوب (۱۳۹۴). هژمونی مردانه جامعه‌پذیری در ایران»، مطالعات توسعه اجتماعی فرهنگی، دوره ۳، شماره ۴: ۱۳۳-۱۵۵.
۸. محمودیان، حسین و رضا نوبخت (۱۳۸۹). «مذهب و باروری: تحلیل رفتار باروری گروه‌های مذهبی سنی و شیعه شهر گله‌دار استان فارس»، مسائل اجتماعی ایران، شماره ۱، دوره ۱.

ب) منابع لاتین

1. Berthoud, R. (2000). "Family Formation In Multi-cultural Britain: Three Patterns of Diversity", Institute for social and Economic Research, University of Essex, UK.
2. Blee, K. and A. Tickeamy (1995). "Racial Differences In Men's Attitudes About Women's Gender Roles", Journal of Marriage and Family, 57 (1): 21-30.
3. Egmond, M. et al. (2010). A Stalled Revolution? Gender Role Attitudes in Australia", Journal of Population Research, 27: 144-168.
4. Fernandez, R. et al. (2004). "Mothers and Sons: Preference Formation and and Female Labor Force Dynamics", Quarterly Journal of Economics, Vol. 119, No. 4: 1249-1299.
5. Foroutn, Y. (2015). "Misunderstood Population: Methodological Debate on Demography of Muslim in the West", Yearbook of International Religions Demography, The Netherlands: Brill Press.
6. Fortin, N. (2005). "Gender Role Attitudes and Labour Market Outcomes of Women Across OECD Countries", Oxford Reviews of Economic Policy, Vol.

21, No.3.

7. Marjorie, Willetts-bloou, Steven, Nock (1994). "Marriage. Family Life and Women's Employment", Sex Role, vol,30, No.5.
8. Shaditalab, Jaleh (2005). "Iranian Women: Rising Expectations", Critique: Critical Middle Eastern Studies, Vol. 14, No. 1: 35-55.
9. Sjede, Amin and Bussarawan Teerawichitchainan (2009). "Ethnic Fertility Differentials in Vienenam and their Proximate Determinants", Poverty, Gender and Youth, Working Paper, No.18, Population council.
10. Valentova, M. (2012). Gender Roles Attitudes In Luxembourg Between 1999 and 2008, CEPS Working Papers .

